

غزل شماره ۴۵۱

خوش کردی اوری فلکت روز داوری
تا شکر چون کنی و چه شکرانه آوری

آن کس که اوقاد خدایش گرفت دست
کو بر تو باد تا غم افتادگان خوری

در کوی عشق شوکت شاهی نمی خزند
اقرار بندگی کن و اظهار چاکری

ساقی به مزدگانی عیش از دم در آید
تا یک دم از دلم غم دنیا به در بری

در شاهراه جاه و بزرگی خطر بسیت
آن به کز این گریه سببار بگذری

سلطان و فکر لشکر و سودای تاج و کج
درویش و امن خاطر و کج قلندری

یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است
ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری

نیل مراد بر حسب فکر و همت است

از شاه نذر خیر و ز تو فتن یآوری

حافظ غبار فقر و قناعت ز رخ شوی

کاین خاک بهتر از عمل کیمیاگری

تفسیر فال

روزگار با تو یار شده و همه چیز بر وفق مرادت پیش خواهد رفت. در این مسیر پرچالش، مطمئن باش که اگر مانعی سر راهت قرار گیرد، تنها خداوندی است که دست تو را خواهد گرفت و از تو حمایت خواهد کرد. اگر همیشه در مقابل خداوند بر خاک بیفتی و با خضوع دل خود را به او بسپاری، در عین خطر و چالش‌های زندگی، خداوند مهربان تو را نجات می‌بخشد و از هر سختی رهایی می‌دهد. یقین داشته باش که یک لحظه آرامش خاطر و

راحتی روحی را هیچ گاه با یک دنیا زر و سیم عوض نخواهی کرد؛ چرا که ارزش واقعی زندگی در آرامش قلب است نه در ثروت مادی. لذا برای رسیدن به مرادت تلاش کن بدون وقفه، همت بگمار و نذر خویش را ادا فرما تا بتوانی به آنچه آرزو داری دست یابی و به سعادت واقعی نایل گردی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)